

عدالت؛ آرزوی دست یافتنی

<?xml encoding="UTF-8?">

اشاره

عدالت، آرمانی انسانی است و پیشینه ای به قدمت عمر بشر دارد. از سپیده دم آفرینش، آدمی، به عدالت گرایشی باطنی داشت و آن را مبنای قوانین و قضاوت خود قرار داد. هیچ چیز به اندازه پایمال شدن حق ضعیف و مظلوم برای فطرت بشر زجر آور و نفرت انگیز نیست و هیچ چیز به اندازه بی عدالتی، کینه و دشمنی در قلب ها پدید نمی آورد. بسیاری از انقلاب ها، به دلیل نبود عدالت اجتماعی در جامعه پدید آمده است. از این رو، تمام مصلحان بشری و انسان های آزاده تاریخ، حرکت های اصلاحی را با اندیشه عدالت، آغاز کرده اند و یکی از اهداف اصلی انقلاب را، برطرف ساختن تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی قرار داده اند.

عدل در آیات

قرآن مجید با طرح فراگیر مفهوم عدل، روحیه عدالتخواهی و شوق وصف ناپذیر به قسط و عدل را، در جان و دل تک تک مسلمانان در طول تاریخ و پهنه جغرافیا برمی انگیزد. این معجزه همیشگی تاریخ، نظام هستی و آفرینش را بر عدل و توازن و استحقاق ها و قابلیت ها استوار می سازد. قرآن مجید اساس آفرینش را بر حق می داند که با عدل ملازمت دارد و از مقام فاعلیت و تدبیر الهی، با عنوان مقام قیام به عدل یاد می کند. نیز عدل را ملاک و میزان آفریدگار در امر آفرینش می داند و گسترش و حاکمیت بخشیدن به عدل و قسط در همه عرصه های زندگی بشری را، یکی از اهداف و انگیزه های بعثت انبیا و غایت نهایی ادیان الهی معرفی می کند و یکی از مهم ترین وظایف پیامبران را ایجاد عدالت می داند.

عدل در روایات

در سخنان پیشوایان معصوم، بر اهمیت و ارزش عدالت در جامعه اسلامی تأکید شده است. حضرت علی علیه السلام عدالت را حیات و زندگی معرفی کرده و اقامه آن را یکی از وظایف اصلی هر حکومت بیان می کند. ایشان بهترین حکومت را، حکومتی می داند که بتواند عدالت را برقرار سازد و به واسطه آن، محبوبیت کسب کند. آن حضرت برای کوتاه کردن دست ستمکاران از سر مظلومان ستمدیده و کشاندن ستمگران به آبشخور عدالت، سوگند یاد و به فرزند خویش امام حسین علیه السلام سفارش می کند عدالت را میان دوست و دشمن اجرا کند. امام صادق علیه السلام عدل را شیرین تر از عسل می داند و امام رضا علیه السلام یک ساعت اجرای عدالت را، بر هفتاد سالی که شب های آن به شب زنده داری و روزهایش به روزه داری بگذرد، ترجیح می دهد.

عدل در سیره امام علی علیه السلام

بخش چشم گیری از حوادث تاریخ اسلام، افکار و موضع گیری ها و به طور کلی مسائل دوران زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، از عدالت قرآنی سرچشمه می گیرد. به دیگر سخن، نمود و تجلی عینی نگرش قرآنی ناب عدل را می توان در گفتار و رفتار پیشوایان معصوم مشاهده کرد. در این میان،

اندیشه و عملکرد امام علی علیه السلام جایگاه ویژه ای دارد. در زمان آن حضرت، مسلمانان به دلیل شرایط تاریخی حساس و فساد ناشی از بی عدالتی، تشنه عدالت بودند. در واقع سال های زمامداری حضرت علی علیه السلام الگوی تمام عیار و راستین، و دوران طلایی حاکمیت و سیطره مطلق و بی مثال تاریخی عدالت به مفهوم قرآنی آن به شمار می آید.

آن حضرت، رهبری مردم را تنها به منظور گسترش عدل پذیرفت و با اراده ای خلل ناپذیر، انبوه مشکلات را برای گستراندن عدل در تار و پود جامعه اسلامی تحمل کرد.

عدالت اجتماعی

از ابتدای تاریخ، همواره ظلم و بی عدالتی روح بشر را آزرده و او را تشنه جهانی بدون تبعیض ساخته است. به همین دلیل، همه افراد و جوامع، اعم از کوچک و بزرگ، مؤمن و کافر، و حتی ستمکار و ستمدیده، خواهان اجرای عدالت، این صفت انسانی بوده و از نقض آن متنفر هستند. به علاوه، تمام فیلسوفان، تصویری از مدینه فاضله ارائه کرده اند که بر مساوات و برابری مبتنی بوده و رکن اصلی آن، وعده برقراری عدالت اجتماعی است. چرا عدالت زیباست؟

در اندیشه دینی، عدالت اجتماعی از چنان جایگاه ویژه ای برخوردار است که هیچ امر دیگری با آن قابل مقایسه نیست. عدل، مبنای همه امور است و خداوند همه چیز را بر عدل استوار کرده است. در نظام دین، نه تنها همه چیز بر عدل استوار است، بلکه عدل مقیاس همه چیز است. شهید مطهری در این باره می نویسد: «در قرآن، از توحید گرفته تا معاد، و از نبوت گرفته تا امامت و زعامت، و از آرمان های فردی گرفته تا هدف های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن، همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریع نبوت، فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است».

عدالت و ارزش های اجتماعی

جامعه ای که بر اصول عدالت اداره می شود، جامعه ای استوار و ارزشمند است و جامعه ای که در مسیر عدالت حرکت نمی کند، ضد ارزش ها در آن حاکم می شود. امیرمؤمنان علیه السلام در توصیف چنین جامعه ای می فرماید: «مردم! ما در روزگاری کینه توز و زمانی پرکفران واقع شده ایم. زمانه ای که نیکوکار در آن بدکار به شمار می آید و ستمگر در آن سرکشی می افزاید. از آنچه دانستیم سود نمی بریم و آنچه را نمی دانیم نمی پرسیم، و از بلاها و فتنه ها تا برسرمان نیامده نمی ترسیم».

آثار بی عدالتی

بدون برقراری عدالت، جامعه جولانگاه زور و ستم و غارت و چپاول می گردد و در چنین میدانی، فضیلت ها و ارزش ها به باد فراموشی سپرده می شود. در این صورت، خوی درندگی اهل حرص و طمع تحریک می گردد. توانگران بر آنچه دارند دندان می فشارند و برآنچه ندارند آژ می ورزند. بینوایان در زیر فشار بی عدالتی، به ناچار تن به هر داد و ستدی می دهند. در چنین جامعه ای، صاحبان فضیلت عقب رانده می شوند، فرومایگان، میدان دار می گردند. اینها نشانه های نزول ارزش ها و انحطاط و فروپاشی است. امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: «چهار چیز نشانه تیره بختی و انحطاط دولت هاست: واگذاردن کارهای اصلی و اساسی، پرداختن به امور فرعی و

جنبی، جلو انداختن فرومایگان و پس راندن صاحبان فضل».

پیشوایان عدالت

جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله که ادامه دهندگان سیره او بودند، همگی در راه برپایی عدالت به شهادت رسیدند. آنها مقصدی جز این نداشتند که بندگان خدا را از بندگی غیر خدا آزاد سازند و به حق پرستی برسانند و خوب می دانستند که برای این مقصد، راهی جز عدالت نیست. امام سجاد علیه السلام در دعایی می فرماید: «خدایا! بر محمد و آلش رحمت فرست و مرا به زیور صالحان بیارای و با گستردن عدل و داد، زینت پرهیزکاران را به من بپوشان».

گسترش عدالت، اصلی بود که پیشوایان حق سخت بدان پایبند بودند و آن همه سختی ها و محرومیت ها را در راه آن به جان خریدند. لازمه پایبندی به سیره نبوی، مبارزه برای عدالت است و تربیت شدگان آن سیره، جز به عدل رفتار نکردند و جز برای برپایی و گسترش آن نکوشیدند. یکی از تاریخ نویسان درباره امام علی علیه السلام می نویسد: «امیرمؤمنان در راه خدا به هیچ چیز نمی اندیشید و همه حرکات و سکناتش برای خدا و در راه خدا بود. او حق کسی را پایمال نمی کرد و جز با حق و عدل نمی داد و نمی گرفت».

آثار و نتایج عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، نتایج شگفت فردی، اجتماعی و تکوینی دارد که هیچ امری چون آن، از چنین پیامدهایی برخوردار نیست. با عدالت است که رحمت های الهی سرزمین ها را به وفور دربرمی گیرد. در سخنانی از امیرمؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: «هر که در سرزمین ها عدالت را رعایت کند، خداوند رحمت را بر او می فرستد. به سبب عدالت، برکت ها دوچندان می شود و بدین ترتیب، کار مردمان اصلاح می گردد». در نتیجه عدالت، مردم به بی نیازی می رسند و فقر و ناداری از میانشان رخت می بندد و جامعه و حکومت به امنیت و عزتی همیشگی می رسند.

نقش عدالت اجتماعی در توسعه انسانی

هدف از آفرینش انسان، رسیدن به کمال است. برای رسیدن به این مقصد، عوامل متعددی چون تلاش و همت بلند نقش دارند، ولی آنچه می تواند جامعه انسانی را به سوی این هدف سوق دهد و نقش اساسی ایفا کند، عدالت اجتماعی است. هنگامی که هر عضو جامعه ببیند حقوق لازم او از سوی دیگران حفظ می گردد و به انسانیت و کرامت او احترام گذاشته می شود، ارتباط این عضو با اعضای دیگر بهبود می یابد و می کوشد نقش مفیدی در جامعه ایفا کند. بدون اصل عدالت، رشد، شکوفایی، کمال و همکاری میان اعضا در جامعه دیده نمی شود و در نتیجه، استمرار و بقای آن اجتماع دچار مشکل می شود.

عدالت، گردونه حیات

عدالت، گردونه اصلی حیات آدمیان است و چون خاصیت حیات، اعتلا و تکامل است، هر فرد یا جامعه ای که عدالت بورزد، محال است که قهقرا و سقوط او را تهدید کند و بالعکس، هنگامی که عدالت از قلمرو حیات فرد یا جامعه رخت برمی بندد، اعتلا و تکامل او بدون تردید با سقوط و تباهی روبه رو خواهد شد. سقوط یک تمدن و

متلاشی شدن یک اجتماع، پدیده عینی مانند نابود شدن انسان ها و خراب شدن ساختمان ها نیست، بلکه سقوط تمدن و ویرانی اجتماع، از موقعی آغاز می شود که بیماری اختیاری ظلم و تبعیض شروع به گسترش ریشه های خود نماید خواسته های حیاتی مردم مورد بی اعتنائی قرار گیرد و استثمار و بهره کشی که انسان ها را از کس به چیز پایین می آورد، شیوع پیدا کند.

تجلی عدالت اجتماعی در عدالت اقتصادی

عدالت اجتماعی، مقوله ذهنی صرف نیست، بلکه امری واقعی و عینی در زمینه های گوناگون است و نمود روشن این امر عینی، در تجلی یافتن آن در عدالت اقتصادی است. در واقع تبلور حکومت عدل و قوانین تأمین کننده عدالت را باید در بخش اقتصاد و معیشت جست و جو کرد، که خود جزئی از عدالت اجتماعی و لازمه آن به شمار می آید. عدالت اقتصادی، یعنی تساوی امکانات، عدالت در توزیع ثروت، تقسیم عادلانه مواد اولیه طبیعی برای افراد جامعه، برابری کاری که فرد در جامعه انجام می دهد با حقی که جامعه می پردازد و برابری حق قانونی (مزد) با حق واقعی (سهم) هر کس.

عناصر عدالت اقتصادی

اسلام، عدالت اقتصادی را به دو عنصر وابسته می داند: رفاه عمومی و تعدیل ثروت. در جامعه اسلامی وضعیت معیشتی باید به گونه ای باشد که تمامی افراد جامعه از امکانات زندگی در تمام زمینه ها در حد کفاف برخوردار باشند. همچنین در جامعه اسلامی نباید تفاوت فاحشی میان افراد از نظر برخورداری از مواهب مادی وجود داشته باشد. البته تفاوت افراد در دست یابی به مال انکارناپذیر است؛ زیرا این تفاوت ها تکوینی است و افراد بشر از نظر استعداد جسمی، روحی، صبر، شجاعت و امثال آن با یکدیگر اختلاف دارند.

نبود عدالت و پیدایش انحرافات

نبود عدالت اجتماعی، سبب پیدایش بزهکاری، مفاسد و آسیب های اجتماعی می شود. خشونت، تجاوز، نبود امنیت اجتماعی، پیدایش نابسامانی های روانی و...، از جمله آثار شوم برقرار نبودن عدالت اجتماعی در جامعه است. حتی نبود عدالت می تواند در پیدایش اندیشه های انحرافی و غلط نقش مهمی داشته باشد؛ چنان که شهید مطهری می فرماید: «مبدأ الهام بخشی افکار شیطانی، چیزی جز بی نظمی ها و پستی و بلندهای بی جهت و اولویت های بلا استحقاق نیست. هر وقت عدالت اجتماعی متزلزل شود، استحقاق ها مراعات نشود، حقوق مراعات نگردد و در تفویض مشاغل، حساب های شخصی و توصیه و پارتی مؤثر باشد، فکر و شانس و امثال اینها قوّت می گیرد و توسعه پیدا می کند، چون معنای بخت این است که هیچ چیز، شرط هیچ چیز نیست».

عدالت و جایگاه آن در سیاست

عدالت، مفهوم گسترده ای است که در هر حوزه ای کاربرد ویژه خود را دارد و در مکان، زمان یا فرد خاصی منحصر نمی شود. عدالت، انجام کارها به نحو بایسته و به موقع است. در زندگی بشر، از حیات فردی گرفته تا نهاد خانواده و نهادهای بسیار پیچیده اجتماعی و پیچیده ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی، یعنی دولت و نظام سیاسی، هر یک لوازم خاص خود را دارند و عدالت خاص خود را می طلبند و اجرای عدالت در هر مجموعه ای،

نیازمند علم، تخصص، خلاقیت، مدیریت و اصول اخلاقی ویژه خود است.

عدالت در کلام مولا

رعایت عدالت بر هر انسانی واجب است و اگر غیر آن عمل کند، در حق خود یا دیگران ستم کرده است، چرا که حقی به صاحب حق تعلق نگرفته، یا کاری به موقع انجام نیافته است. بخشش، از فضیلت های انسانی است. که در ردیف مستحبات قرار می گیرد، ولی زمانی که از امام علی علیه السلام پرسیدند: کدام یک از عدل و بخشش برتر است، فرمود: «عدالت، کارها را بدانجا می نهد که باید، و بخشش آن را از جایش بیرون نماید. عدالت تدبیر کننده ای است به سود همگان، و بخشش به سود خاصگان. پس عدل، شریف تر و با فضیلت تر است». حضرت علی علیه السلام عدل را رستگاری و کرامت، برترین فضایل، بهترین خصلت و بالاترین موهبت الهی می داند و آن را مأنوس آدمیان برمی شمارد و رعایت آن را موجب افزایش برکات ذکر می کند.

عدالت در نظام سیاسی

وقتی در چشم اندازی کلی، مجموعه ای از انسان ها را تصور کنیم که در محلی به نام شهر یا کشور گرد هم آمده و جامعه ای را بنیان نهاده اند، عدالت ایجاب می کند حاکمی داشته باشند و مجموعه ای از قواعد و قوانین در آنجا جاری باشد، تا جامعه بتواند به حیات خود ادامه دهد. امام علی علیه السلام معتقد است جامعه در درجه نخست باید نظام سیاسی داشته باشد تا ابتدایی ترین و ضروری ترین امور زندگی مردم سامان گیرد و عملی شود. اما در گام بعد، هر کدام از اجزای نظام سیاسی از رهبر، والیان و کارگزاران گرفته تا اصناف، مجموعه و نهادهای گوناگون اجتماعی، باید عدالت ویژه خود را داشته باشند و بر اساس آن، هر کدام خدمات خاص خود را ارائه دهند.

عدالت رهبران و مدیران جامعه

رهبران و نخبگان سیاسی جامعه، مهم ترین نقش را در پایه گذاری نظام سیاسی مبتنی بر عدالت و هدایت و اداره آن مجموعه بر عهده دارند. طبیعی است رهبرانی از عهده این امر مهم برمی آیند که خود عادل باشند. از ویژگی های مهم رهبران سیاسی عادل از دیدگاه حضرت علی علیه السلام این است که هواهای نفسانی خود را سرکوب کرده، به مراحل بالایی از تکامل و خودسازی رسیده باشند. از مصادیق سرکوبی هوای نفس این است که رهبران جامعه هر چیزی را برای خود نمی پسندند، برای مردم نیز نپسندند و به آنچه خدا بر آنها واجب فرموده، عمل کنند. ویژگی دیگر رهبران عادل، حق محوری و حق گرایی آنهاست.

شاخصه های عدالت اجتماعی

1. برابری: برابری و مساوات به این معنا نیست که همه افراد جامعه در یک سطح باقی بمانند و رشد و ترقی همه آنها در یک درجه باشد، بلکه مساوات به معنای برخورداری یکسان از امکانات جامعه است؛ مانند اینکه اموال عمومی جامعه به طور یکسان میان افراد تقسیم گردد یا اینکه همه افراد جامعه از امکانات رفاهی برخوردار باشند.
2. اطاعت از قانون: برای برقراری عدالت اجتماعی، تمام افراد جامعه و اعضای حاکم برآن باید تابع قوانین باشند.

در جامعه اسلامی، قانون همان احکام و قوانین اسلام است. البته پیروی از سیره و سنت های گذشتگان هم، یکی از مواردی است که به برقراری عدالت اجتماعی می انجامد.

3. شایسته سالاری: یکی از تعاریف مهم عدالت، قرار گرفتن هر کس و هر چیز در جایگاه شایسته خود است؛ یعنی هر کس بنا به تخصصی که دارد، به کار مربوط به خود بپردازد و از دخالت در کار دیگران بپرهیزد.

زمینه های تحقق عدالت اجتماعی

تحقق عدالت اجتماعی، به فراهم آمدن برخی زمینه ها بستگی دارد. این زمینه ها عبارتند از:

1. امنیت: امنیت در بخش های گوناگونی همچون امنیت شخصی و فردی، امنیت عمومی، امنیت اجتماعی و امنیت ملی طبقه بندی می شود. در اندیشه امام علی علیه السلام امنیت و تأمین آن، یکی از زمینه های تحقق عدالت اجتماعی معرفی شده است.

2. عدالت فردی: مسئولان و حاکمان جامعه که مجریان عدالت اجتماعی هستند، در صورتی در اجرای این نقش موفق تر خواهند بود که عدالت را در درون خود ایجاد و تقویت کنند و سپس به اجرای آن در سطح جامعه روی آورند.

3. مشارکت سیاسی: مشارکت فعالانه مردم در حکومت، حاکی از این است که اجرای عدالت تنها برعهده حاکم جامعه و کارگزاران آن نیست، بلکه خود مردم نیز در تحقق آن نقش دارند. به عبارت دیگر «اگر عدالت برای مردم است، خود باید آن را بخواهند و پاسدار آن باشند؛ در غیر این صورت، نه عدالتی مستقر می شود و نه در صورت استقرار، پایدار می ماند».